

عنوان مقاله:

همگرایی سیاست اجتماعی و مددکاری اجتماعی: آموزه هایی برای ایران

محل انتشار:

پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، دوره 5، شماره 18 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

نویسنده:

معصومه قاراخانی

خلاصه مقاله:

این مقاله با رویکردی تحلیلی و با طرح این پرسش که همگرایی مددکاری اجتماعی و سیاست اجتماعی چگونه ممکن میشود؟، به بررسی نقشی که مددکاری اجتماعی در توسعه سیاست اجتماعی دارد و نیز تأثیری که ایدئولوژیهای رفاهی و در پی آن سیاستهای اجتماعی بر مددکاری اجتماعی دارند، میپردازد. در این مقاله، زمینههای مورد توجه برای بیان این رابطه را در دو نقش محوری شناسایی و مفهومپردازی کردهام. ۱) نقش حداقلگرا که در آن مددکار اجتماعی صرفاً به عنوان مجری سیاست اجتماعی است. در این موقعیت، مددکار اجتماعی در نقش اجراکننده سیاستهای اجتماعی در سازمانها و مراکز ارایه دهنده خدمات اجتماعی ظاهر میشود و ۲) نقش حداکثرگرا که مددکار اجتماعی به عنوان اصلاحگر سیاست اجتماعی عمل میکند. در این موقعیت، مددکار اجتماعی همزمان با اجرای سیاستهای اجتماعی در جهت تعیین دستور کار برای اجرا یا ممانعت از اجرای یک سیاست، تحلیل مساله موجود، ارایه پیشنهاد پژوهش و حتی برای تصویب سیاست اقدام میکند. با این نقش، مددکار اجتماعی در تعاملی دوسویه با سیاست اجتماعی هم به توسعه مددکاری اجتماعی موثر کمک میکند و هم در پیوندی ارگانیک به پویایی و تحول سیاست اجتماعی زمینهساز یاری میرساند. برهمکنش همافزایی که ضرورتی برای مددکاری اجتماعی روزآمد و سیاست اجتماعی علمی و کاربردی در زمینه ایران است.

کلمات کلیدی:

سیاست اجتماعی، مددکاری اجتماعی، تحلیل سیاست، دولت رفاه، اقدام سیاستی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1189757>

